

کام‌های مبارک در مرجع‌نگاری‌های

دانش اصول فقه

سید مصطفی مطبوعه چی اصفهانی

از جمله ویژگی‌های برجسته و شایان توجهی که در کارنامه جنبش علمی جهان اسلام در چند دهه اخیر به چشم می‌خورد، اهتمام مبارک به عرضه و ارائه کتاب‌شناسی‌ها، مأخذشناسی‌ها، مقاله‌نامه‌ها و در یک کلام «مرجع‌نگاری» علمی است که متناسب با ضوابط علمی پذیرفته شده در مراکز تحقیقاتی، به جامعه علمی تقدیم شده است. «موم انانی و مطالعات فرهنگی» سهم عمده این کوشش‌ها به بخش عربی جهان اسلام متعلق است و سابقه چنین اهتمامی از آن جا ناشی می‌شود که پاره‌ای از فرهیختگان و نویسندگان جنبش سیاسی-اسلامی که در حوزه فکری و فرهنگی جنبش «بیداری اسلامی» پس از جنگ دوم جهانی، به آگاهی بخشی و غنا بخشیدن به ادبیات اسلام سیاسی مشغول بودند، پس از برخورد و چالش با رقیب قدرتمند و تازه نفس -یعنی جریان فکری چپ- که مجهز به نظریه‌های علمی نیز بود، به نیکی دریافتند که از این پس نمی‌توان به طرح و توضیح و تشریح کلیات بسنده نمود؛ چرا که در مقابل آنان رقیبی قرار داشت که با استفاده از آخرین دستاوردها و روش‌های علمی، تبلیغی و مخاطب‌شناسی، به سرعت سنگرهای دانشگاهی،

آموزشی، عموم باسوادان و دیگر قشرهای اجتماعی را تسخیر می‌نمود. از این رو، اسلام‌گرایان بر آن شدند تا با آشنایی با روش‌ها و موضوعات جدید و عمق بخشیدن به مباحث و مسائلی که عرضه می‌نمودند، ادبیات جدیدی را که متناسب با مقتضیات زمان بود، پدید آورند. از جمله موضوعاتی که لازم بود به آن توجه کنند، اهتمام به روش‌شناسی و کارهای مرجع‌نگاری بود.

اولین پیشگام

در این جا لازم است یادآور شویم که فضل‌پیشگامی در این زمینه، به استاد محی‌الدین عطیه باز می‌گردد که شاید بتوان به وی لقب «شیخ‌المفهرسین الاسلامیین» داد. وی از دهه هفتاد میلادی به این مهم همت گمارد و به تدریج با تأسیس مجله «المسلم المعاصر» توجه و لزوم عنایت به روش و مرجع‌شناسی و مرجع‌نگاری را وارد ادبیات پژوهشگران و محققان اسلامی نمود. تولد، رشد و سیر تطور آشنایی نویسندگان و محققان حوزه ادبیات بیداری اسلامی، با روش‌ها و ابزارهای جدید، خود بخشی است مفصل که تشریح آن، حال و مقال دیگری می‌طلبد.

به هر حال، این حرکت مبارک ادامه یافت و در ادامه همین خط مشی، مجله «الکشاف الاسلامی» در قبرس منتشر شد و تا ۲۴ شماره ادامه یافت و به دنبال آن مجله «الفهرست» در بیروت و مجله «الحصار الثقافی» در قاهره به این روند عمق و فربهی بخشیدند و ثمره چنین تلاش‌هایی به تدریج در دهه نود میلادی ظاهر گردید. این شجره مبارک همچنان به ثمربخشی و راه‌گشایی ادامه می‌دهد و کثرت و قوت آثار و تألیفاتی که همگی در رده کلیات بخش مرجع‌نگاری قرار می‌گیرند، نشانگر این امر است.

از جمله این آثار می‌توان به اثری با مشخصات کتاب‌شناسی ذیل اشاره نمود:
«الدلیل الجامع الی کتب اصول الفقه المطبوعه باللغه العربیة»، الفتره
مابین ۱۲۵۸-۱۴۲۲هـ / ۱۸۴۲-۲۰۰۲م، شامل شاهین، دمشق، دار غار

حرا، ۱۴۲۴/۲۰۰۴، الطبعة الاولى، ۵۸۶ صفحه وزیری.

مؤلف از دانشوران ترک ساکن استامبول است که مرکزی تحت عنوان «مرکز مرمرة للابحاث والدراسات العلمیه» در این شهر تأسیس نموده و هدف عمده آن احیا و نشر تراث اسلامی ترکیه است و تاکنون آثار سودمندی نیز به جامعه علمی تقدیم کرده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز تشکیل کتابخانه تخصصی علم «اصول فقه» است که سعی شده کلیه کتاب‌ها و رساله‌های مخطوط و مطبوع (اصل و یا تصویر آن) که در موضوع علم اصول فقه تألیف شده، گردآوری شود و سپس کارهای تحقیقاتی بعدی براساس این کتابخانه ادامه یابد.

از جمله این تلاش‌ها، جهد مشکوری است در زمینه کتاب‌شناسی علم اصول فقه اهل سنت که به همت شامل شاهین فراهم آمده است. وی در مقدمه، پس از تعریف و توضیحات کلی در مورد کتاب، در دو باب مطالبی را جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با ضرورت اهتمام به این‌گونه آثار مرجعی یادآور شده است. در باب اول به اهمیت مآخذشناسی کتاب‌های ترائی پرداخته و پس از تعریف مآخذشناسی، اهمیت آن را متذکر شده است. وی سپس مکانات مآخذشناسی را در دانش اطلاع‌رسانی به تفصیل یاد کرده است.

باب دوم به علم اصول فقه اختصاص دارد که ابتدا به تعریف، موضوع و منشأ و تحولات این علم پرداخته و از آن پس به روش‌های تدوین و تبویب دانش اصول فقه اشاره نموده است که از آن جمله روش متکلمان و فقیهان را مورد بحث قرار داده و همچنین به روش شاطبی یا روش مقاصدی نیز اشاراتی نموده است.

در مبحث بعدی، غایت و هدف این دانش توضیح داده شده و به چگونگی تعامل این علم و دیگر علوم اسلامی پرداخته و در فرجام بحث، مکانات و نسبت این علم با دیگر علوم تشریح شده است.

پس از این مقدمه و لواحق درازدامن آن، پرده از نقاب ذی‌المقدمه برگرفته و مجموعاً یک هزار و ۵۷۳ عنوان کتاب معرفی شده است. قلمرو زمانی این مآخذشناسی از سال ۱۲۵۸ تا ۱۴۲۲ هجری را شامل می‌گردد؛ یعنی ۱۶۰

سال، و این بدان سبب بوده است که قبل از این فترت، عمده کتاب‌ها چاپ سنگی می‌شده و از آن پس بوده که چاپ‌های سریبی رواج یافته و به تدریج کلیه کتاب‌ها با چاپ سریبی تجدید، ارائه و عرضه شده است. اصولی که در تدوین این اثر مورد نظر بوده است، عبارت است از:

۱. این مآخذشناسی شامل تمامی کتاب‌های چاپ شده در موضوع علم اصول فقه است که شامل: منظومه‌ها، متون، شروح، تحقیقات، تعلیقات، تقریرات و حواشی می‌گردد.

۲. در این اثر، فهرست توصیفی کتاب‌ها ذکر شده که شامل: عنوان، مؤلف، مؤلف همکار «محقق، مترجم، مصحح و مانند آن»، مکان نشر، نام ناشر، تاریخ نشر هجری یا میلادی و تعداد چاپ‌های یک اثر است.

۳. این مآخذشناسی براساس ذکر عنوان کتاب طبق ترتیب حروف الفبا فراهم آمده است.

۴. تمامی عناوین متعدد احتمالی یک اثر ذکر شده است.

۵. نمایه‌ای از نام‌های مؤلفان و مؤلفان همکار در پایان کتاب ضمیمه شده است. پس از این توضیحات، متن کتاب از حرف الف آغاز می‌گردد که ۳۲۰ عنوان ذیل آن معرفی شده و بقیه حروف نیز با این تعداد عنوان ادامه یافته است: حروف ب ۳۵ عنوان، حرف ت ۱۵۵ عنوان، حرف ث ۲ عنوان، حرف ج ۸ عنوان، حرف ح ۱۳۰ عنوان، حرف خ ۱۰ عنوان، حرف د ۳۸۵ عنوان، حرف ر ۶۸ عنوان، حرف ز ۸ عنوان، حرف س ۲۲ عنوان، حرف ش ۱۲۸ عنوان، حرف ص ۵ عنوان، حرف ض ۸ عنوان، حرف ط ۷ عنوان، حرف ع ۴۷ عنوان، حرف غ ۸ عنوان، حرف ف ۴۷ عنوان، حرف ق ۱۳ عنوان، حرف ک ۳۷ عنوان، حرف ل ۱۶ عنوان، حرف م ۳۳۳ عنوان، حرف ن ۹۲ عنوان، حرف ه ۳ عنوان، حرف و او ۳۶ عنوان، و حرف ی ۱ عنوان.

از آن جا که از تعداد چاپ‌های یک اثر ذکر شده، می‌توان اقبال و استفاده خوانندگان کتاب را معلوم نمود، این مطلب نیز در میان مشخصات آثار آمده

است. البته منظور از تعداد چاپ، چاپ اثر از سوی یک ناشر در یک کشور نیست؛ بلکه مقصود ناشران مختلف در کشورهای مختلف با تصحیح‌ها و تحقیق‌های مختلف است. به عنوان مثال، تاکنون از کتاب‌های: روضة الناظر ابن قدامه، شرح الجلال المحلی علی متن جمع الجوامع، شرح مراقی السعود شنقیطی پنج چاپ، یا از کتاب‌های: ارشاد الفحول شوکانی، التلویح فی کشف غوامض التنقیح تفتازانی، شرح الاسنوی علی منهاج الأصول، فصول فی القیاس ابن قیم، مفتاح الوصول تلمسانی و نه‌ایة السؤل بیضاوی، شش چاپ، یا از کتاب‌های: الورقات جوینی، النبذ فی أصول ابن حزم، المستصفی للغزالی هفت چاپ، یا از کتاب‌های: متن الورقات للجوینی، کتاب اللمع للشیرازی، عنوان التعریف شاطبی و الموافقات شاطبی، هشت چاپ، و از کتاب شرح المحلی علی جمع الجوامع سیزده چاپ عرضه گردیده است. با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، می‌توان اطلاعات مختلفی از این اثر استخراج نمود که خود موضوع مقاله مفصلی تواند بود و از عهده این مختصر خارج است.

اما در کشور ما نیز چندی است که توجه و اهتمام به موضوع مآخذشناسی از سوی مؤسسات و مراکز پژوهشی و برخی محققان مستقل، منزلت و جایگاه مطلوبی یافته است و کثرت و تنوع کتاب‌شناسی‌های توصیفی و تحلیلی، مقاله‌نامه‌ها، چکیده‌نگاری‌ها و... در موضوعات و مسائل مختلف به گونه‌ای است که شاید بتوان «دوران شکوفایی آثار مرجع و مرجع‌نگاری شیعی» را بر زمانه ما اطلاق نمود؛ از جمله این مجاهدت‌های مشکور، اثری است که به همت فاضل ارجمند جناب مهدی مهریزی در موضوع مآخذشناسی علم اصول فقه شیعی فراهم آمده است. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر عبارت است از: «کتاب‌شناسی اصول فقه شیعه به همراه مقدمه‌ای در تنقیح و تهذیب علم اصول»، مهدی مهریزی، قم، دبیرخانه کنگره جهانی شیخ مرتضی انصاری، چاپ اول، ۱۳۷۲، رقعی ۲۰۸ صفحه.

در مقدمه مذکور که با ۴۹ صفحه خود در حکم مقاله مفصلی است، فراز و

نشیب‌ها و کاستی‌ها و بایستگی‌های دانش اصول بررسی‌شده و به کوشش‌ها و آرای برخی عالمان این علم اشاره گردیده که مترصدند تا از حجم حجیم این مباحث بکاهند و آن را کارآمدتر نمایند. پس از این مقدمه سودمند و دراز دامن، مباحث کتاب در سه بخش ارائه شده است:

الف) فهرست کتب و مقالاتی که درباره علم اصول نگارش یافته است. عنوان این بخش، «کتب و مقالات پیرامون تاریخ، تحوّل، معرفت‌شناسی، کتاب‌شناسی علم اصول» است و در مجموع ۳۳ مأخذ در سه بخش: کتب چاپی (۱۵ کتاب)، کتب خطی (۲ کتاب) و مقالات (۱۶ مقاله) معرفی شده است. در این معرفی‌ها، صرفاً اطلاعات کتاب‌شناختی هر اثر ذکر شده است.

ب) فهرست مقالات در مباحث علم اصول (مقالات اصولی). در این بخش ۷۴ مقاله معرفی شده که از این تعداد ۳ مقاله به زبان عربی و بقیه به فارسی نگاشته شده است. در خصوص مقالات عربی علم اصول، شایسته تذکار است که اخیراً مجموعه عظیم بی‌نظیری از مقالات فقهی و اصولی به همت کتابخانه تخصصی فقه و اصول و حقوق در قم فراهم آمده است. این مجموعه گران‌سنگ که مشتمل بر متن مقالات فقهی و اصولی است، به زبان عربی نگارش یافته و در ۶۳ جلد تدوین شده است و فاضل‌گرامی جناب رسول طلائیان، کار تبویب و تدوین آن را متکفل شده است.

ج) فهرست کتب چاپی علم اصول با ترتیب زمانی. در این بخش کتاب‌شناسی، خلاصه فهرست مطالب، ترجمه یا شرح و حاشیه بر هر کتاب ارائه گردیده و نیز کتبی معرفی شده که مؤلف آنها را دیده است. کتاب‌های این بخش براساس ترتیب زمانی «حیات مؤلف» ارائه شده است و از این رو، اولین اثر از شیخ مفید (م ۱۳۴۰ ق) معرفی شده و طبق چنین ترتیبی کتاب «التذکره باصول الفقه» که به همراه «کنز الفوائد» کراچکی چاپ شده است، اولین کتاب یا نوشتاری است که در دانش اصول شیعی به چاپ رسیده است. آخرین اثر معرفی شده، «ترجمه اصول الفقه» مرحوم محمدرضا مظفر است که به همت غلامرضا هدائی فراهم آمده و در سال ۱۳۶۸ ش به چاپ رسیده است. چون تاریخ نگارش مقدمه اواخر سال ۱۳۷۰ است، کتاب‌های

چهارده سال اخیر در این کتاب نیامده است. مجموعه کتاب‌هایی که در این بخش معرفی شده، بالغ بر ۲۶۶ عنوان است. در چهارده سال اخیر برخی از کتاب‌های معرفی شده، با تصحیح و تجدید و گاهی با شرح و اضافاتی مجدداً به چاپ رسیده‌اند و برخی دیگر به زبان فارسی، ترجمه شده‌اند و گاهی چندین ترجمه از یک کتاب به چاپ رسیده‌اند و نظر به این که کتاب‌شناسی جامعی در این خصوص در دست نیست، شاید بتوان حدود یکصد عنوان دیگر بر این تعداد افزود.

از آن‌جا که کتاب‌های معرفی شده در این بخش، بدون اشاره به چاپ‌های یک کتاب است، نمی‌توان از روی فراوانی چاپ یک اثر میزان اقبال و استفاده خوانندگان به یک کتاب معین را دریافت، ولی نظر به تثبیت جایگاه برخی کتاب‌ها به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه یا دانشگاه‌ها، شاید از این طریق بتوان این‌گونه کتاب‌ها را شناسایی نمود. محل چاپ این آثار به ترتیب نجف، قم، تهران، مشهد و سایر شهرها است.

نکته قابل توجه دیگری که از تصفح در این فهرست به دست می‌آید، قلت تألیفات و آثار مستقل و کاربردی در زمینه علم اصول است. به این معنا که در یک سده اخیر، بنا به عللی کتاب‌هایی به عنوان کتاب درسی یا متن مورد توجه قرار گرفته و تقدیس شده‌اند و دیگر تألیفات در قالب شرح، حاشیه، توضیح و... آن متن یا متون، عرضه گردیده‌اند. این نکته در مقایسه با کثرت آثار و تألیفات مستقل و دانشگاهی در جهان عرب آشکار می‌گردد. البته در سال‌های اخیر و با گسترش مراکز آموزشی دانشگاهی، برخی کتاب‌ها که متناسب با تدریس در این گونه مراکز باشند، تألیف شده‌اند، ولی کمتر ابداع و ابتکاری در این زمینه صورت گرفته است و بیشتر در همان چارچوب کهن، صرفاً در حیطه زبان و با تغییر اندکی به روز شده‌اند.

اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها

اکنون برای تتمیم فایده، در همین موضوع «کلیات» نظری می‌افکنیم بر اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها^۱ی پدید آمده در این علم (اصول)، و ابتدا آثار



منتشر شده به زبان فارسی را معرفی و سپس کتاب‌های عربی را به محضر دانش پژوهان تقدیم می‌نمایم.

منابع فارسی

۱. «فرهنگ اصطلاحات اصول»، جلد اول، مجتبی ملکی اصفهانی، قم، عالمه، ۱۳۷۹، وزیری ۴۲۴ ص.

اثری است در شرح اصطلاحات اصولی که بنا به ضرورت، برخی اصطلاحات فقهی، ادبی، منطقی، فلسفی و کلامی که در فهم و ایضاح واژگان علم اصول مدخلیت داشته‌اند نیز تشریح شده‌اند. این مجلد مشتمل بر ۲۵۷ واژه بوده که به ترتیب حروف الفبا از «اباحه» آغاز می‌شود و به «فی الجمله» انجام می‌پذیرد.

۲. «فرهنگ اصطلاحات اصول»، جلد دوم، مجتبی ملکی اصفهانی، قم، عالمه، ۱۳۷۹، وزیری ۲۴۶ ص.

در جلد دوم در ادامه تشریح و توضیح واژگان و اصطلاحات علم اصول در ۲۵۶ مدخل که از «القول بعدم الفصل» آغاز شده و آخرین واژه «یقین» است. مجموعاً در جلدهای اول و دوم ۵۱۳ اصطلاح تبیین شده است.

۳. «فرهنگ اصطلاحات اصولی»، محمدحسین مختاری مازندرانی، تهران، انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷، رقیعی ۲۹۶ ص.

در این اثر، که به ترتیب الفبایی فراهم آمده و برخی واژگان مرتبط با دانش اصول مانند اصطلاحات فلسفی و کلامی نیز بنا به ضرورت تشریح شده است، اولین مدخل «اباحه» و آخرین آن «وضع تعینی» است.

۴. «واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه»، احمد قلی‌زاده، تهران، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹، وزیری ۲۲۴ ص.

این اثر نیز، که به صورت الفبایی فراهم آمده، اصطلاحات علم اصول را به اختصار تشریح می‌نماید و از واژه «ابتلاء» و «عدم ابتلاء» آغاز می‌شود و به «هلیت مرکبه» انجام می‌پذیرد. مؤلف از کتاب «فرهنگ تشریحی اصطلاحات

اصول» بهره‌ فراوان برده است.

۵. «فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول»، عیسی والایی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، وزیری، ۳۶۰ص.

این اثر را، که مجموعاً به تشریح ۵۱۱ اصطلاح و واژه اصولی پرداخته، شاید بتوان از حیث اتقان و استحکام علمی بر دیگر کتب فارسی در این موضوع ترجیح داد. مؤلف پس از مقدمه‌ای سودمند در تاریخچه و ظهور علم اصول، همچون دیگر تألیفات در این باب به واژه‌های غیر اصولی نیز که در کتب اصولی آمده، عنایت داشته و آنها را نیز که در فهم معنای واژگان اصولی دخالت داشته، تشریح نموده است و علاوه بر آن در ذیل هر اصطلاح مهم و کلیدی، متون و منابعی را که این واژه در آن آمده است نیز معرفی نموده که کار را بر پژوهشگران بسیار هموار کرده تا بتوانند با مقایسه دیدگاه‌های مختلف فرآیند تحول معنایی برخی واژگان را نیک دریابند. طبعاً کتاب‌های ذکر شده دیدگاه‌های شیعی را منعکس می‌نماید.

منابع عربی

- اینک به منابعی که در این خصوص به زبان عربی منتشر شده است، می‌پردازیم:
۱. «القاموس المبین فی اصطلاحات الاصولیین»، محمود حامد عثمان، الرياض، دار الزاحم، ۱۴۲۳-۲۰۰۲، وزیری ۳۳۳ص.

در این اثر مجموعاً ۴۳۵ اصطلاح اصولی به ترتیب الفبایی تشریح شده و عمده شرح و توضیح هر اصطلاحی مستند به اقوال و آرای دانشورانی است که تألیفاتی در علم اصول داشته‌اند. آغاز و انجام مداخل این کتاب «الاحاد» و «الیقین» می‌باشد.

 ۲. «معجم اصول الفقه»، خالد رمضان حسن، القاهرة، دار الروضة، ۱۴۱۸/۱۹۹۸، وزیری ۳۴۱ص.

مؤلف پس از مقدمه‌ای در تشریح ساختار کلی علم اصول، روش تألیف عالمان علم اصول در نگارش کتابهای اصولی بررسی شده است و نحوه ارتباط فقه

و اصول را تبیین می‌نماید. این اثر نیز الفبایی و از واژه «اباحه» آغاز شده و به واژه «واضح الدلالة» خاتمه یافته است.

۳. «معجم اصطلاحات اصول الفقه»، عبدالمنان الراسخ، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۴ / ۲۰۰۳، رقعی ۱۷۰ ص.

شرح مختصری است بر ۱۶۱ واژه و اصطلاح اصولی که عمدتاً از منابع مختلف تدوین و گردآوری شده است.

۴. «معجم مصطلحات اصول الفقه»، قطب مصطفی سانو، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۰ / ۲۰۰۰، وزیری ۴۸۰ ص.

اثری است متقن و مطابق با معیارهای معجم‌نگاری که به صورت الفبایی تدوین شده و معادل انگلیسی هر اصطلاح اصولی نیز آمده است. «معجم لغة الفقهاء» نیز اثر دیگری از همین مؤلف است که قبلاً به چاپ رسیده است.

۵. «موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمين»، الجزء الاول والثانی، رفیق العجم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۸، ط ۱، ۱۹۶۰ ص، دو جلد وزیری.

مکتبه ناشرون لبنان از جمله مؤسسات انتشاراتی مهم لبنانی است که بخش مهمی از آثار انتشار یافته آن در رده کلیات و کتاب‌های مهم و ماندگار است؛ آثاری که اگر قرار بود در ایران سامان پذیرند، لازمه آن تأسیس مؤسسات و مراکز عظیم با بودجه‌های هنگفت و کارمندان بی‌شمار بود، ولی این ناشر با کمترین امکانات و هزینه‌های ممکن کارهایی ارائه نموده است کارستان و بی‌ظنیر. در مجموعه‌ای که با عنوان «سلسلة موسوعات العربیة والاسلامیة» منتشر نموده است، عناوین ذیل به چشم می‌خورد:

- موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم،

- موسوعة مصطلحات جامع العلوم «ملقب بدستور العلماء»،

- موسوعة مصطلحات اصول الفقه عند المسلمين،

- موسوعة مصطلحات علم الکلام الاسلامی،

- موسوعة مصطلحات الفلسفة عند العرب،
 - موسوعة مصطلحات التصوف الاسلامي،
 - موسوعة مصطلحات العلوم عند العرب،
 - موسوعة مصطلحات الاجتماعية والسياسية في الفكر العربي الإسلامي،
 - موسوعة مصطلحات علم التاريخ العربي والإسلامي،
 - موسوعة مصطلحات مفتاح السعادة و مصباح السيادة في موضوعات العلوم،
 - موسوعة مصطلحات الموضوعات في «سفينة الراغب ودفينة المطالب».
- موسوعة مصطلحات اصول الفقه عند المسلمين که آینه تمام‌نمای این علم از منظر عالمان اسلامی است، عمدتاً با عنایت به منابع اهل سنت فراهم آمده و البته از چهار منبع شیعی نیز استفاده شده که عبارتند از: «اصول کافی، کلینی»، «اصول الفقه، مظفر»، «الذریعة، سید مرتضی»، «مبادئ الوصول، علامه حلی».
- در این اثر، پس از مقدمه‌ای که به تاریخ تکوین و تدوین، تطورات، روش‌ها و موضوع و مضمون دانش اصول پرداخته، روش تحقیق این موسوعه و منابع مورد استفاده در آن تشریح شده است. سپس متن موسوعه آغاز می‌گردد که بالغ بر ۱۷۲۲ صفحه می‌باشد و در آن ۱۴۲۰ اصطلاح اصولی و واژگانی که در فهم مرادات و مفردات علم الاصول مدخلیت دارند، تشریح شده است. به دنبال آن ریشه‌های لغوی اصطلاحات یا مدخل‌ها در ۶۲ صفحه استخراج گردیده و پس از آن در سه بخش، معادل انگلیسی و فرانسوی هریک از موضوعات و مداخل عربی آورده شده، به این ترتیب: عربی - فرانسه - انگلیسی؛ انگلیسی - فرانسه - عربی؛ فرانسه - انگلیسی - عربی.
- پایان‌بخش کتاب، فهرست موضوعات یا مدخل‌های ذکر شده در این اثر است که در ۵۷ صفحه به ترتیب حروف الفبا به چاپ رسیده است.
- این موسوعه اثری است مرجع و ماندنی که به تفصیل، موضوعات و مسائل و مفردات علم اصول را تشریح نموده است.
۶. «التعريفات الفقهية: معجم يشرح الألفاظ المصطلح عليها بين الفقهاء

والأصولیین وغيرهم من علماء الدین (رحمهم الله تعالی)، محمد عمیم الإحسان المجددی البرکتی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ / ۲۰۰۳، ۲۴۸ ص. وزیری.

شرح مختصری است از اصطلاحات و واژگان رایج بین فقیهان و اصولیان.
۷. «معجم الاصولیین»، الجزء الاول والجزء الثانی، محمد مظفر بقا، مکه المکرمة، جامعة ام القرى، ۱۴۱۴، ۳۰۲+۲۴۰ ص وزیری.

این اثر فرهنگ تراجم و آثار عالمان علم اصول مذاهب اسلامی است و شاید بتوان با تسامح آن را در ضمن کتب طبقات لحاظ نمود. در این موضوع، دو تألیف فضل تقدّم دارند که مؤلف بدان‌ها اشاره نموده است: اول: الفتح المبین فی طبقات الاصولیین، اثر مرحوم عبدالله مصطفی المراغی از علمای الازهر. دوم: اصول الفقه؛ تاریخه و رجاله، اثر شعبان محمد اسماعیل شعبان.

مؤلف در مقدمه این اثر، به تفصیل مبانی و روش کار خود را تشریح نموده و سپس ۴۶۰ تن از عالمان و دانشورانی را که تألیفاتی در دانش اصول از خود به جای نهاده‌اند، معرفی کرده و پس از اشاره به مشایخ و شاگردان هریک مؤلفاتشان را برشمرده و مشخصات کتاب‌شناختی آثار مطبوع و محفوظ را نیز متذکر شده است. در این معجم عالمان مذاهب اسلامی از جمله عالمان امامیه نیز معرفی شده‌اند.

قلمرو زمانی این معجم، از عالمان قرن سوم تا دوره معاصر را شامل می‌گردد و ترتیب آن به حسب حروف الفبا است.

۸. «اصطلاحات الاصول ومعظم أبحاثها»، علی المشکینی، قم، دارالهادی، ۱۴۰۹، ۳۰۰ ص وزیری.

در این اثر برخی واژگان و اصطلاحات مستعمل در علم اصول تشریح شده و در انتخاب مدخل‌ها ضوابط مدخل‌گزینی مورد توجه نبوده است.

ضمناً به اطلاع دانش‌پژوهان و پژوهشگران هم می‌رسد که همه کتب مورد بحث، در کتابخانه تخصصی فقه و حقوق وابسته به دفتر آیت‌الله سیستانی در قم موجود است.